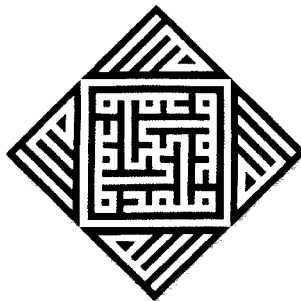


فقه و اصول



- فقه منظوم شیعی در دو قرن اخیر / سید محمد امامزاده - دکتر حسن عبداللہی
- بررسی مسأله حرمت «لہو» به عنوان قاعده‌ای فقهی / جواد ایروانی - دکتر محمدحسن خنبری
- بررسی علل اختلاف آرای فقہا در رویکرد به اخبار / عبدالله بہمن پوری - عظیم موحدی
- نگرشی در اخبار تحلیل، نفی ضمان خمس سابق بر ملکیت شیعه / حمیدہ عبداللہی - دکتر علی مظہر قراملکی - دکتر غابدین مؤمنی - دکتر سید محمدرضا امام
- تتصیف مہریہ در موت زوج قبل از آمیزش / دکتر امان‌اللہ علیمرادی - محمد محسنی دہکلانی
- مقدسات و تہیین بہ آن در حقوق کیفری ایران / دکتر سید ابراہیم قدسی - امین کوهیان افضل دہکردی
- درنگی در محرومیت زوجین از حق قصاص / علی کشاورز - دکتر حسین ناصری مقدم

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۳/۱،
پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۴۲-۱۱

فقه منظوم شیعی در دو قرن اخیر*

سید محمد امامزاده

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر حسن عبدالهی

دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: HSN.Abdollahi@yahoo.com

چکیده

یکی از روش‌های دانشمندان گذشته، برای فراگیری بهتر و سریعتر علوم، به نظم کشیدن مطالب علمی بوده است. به این نوع اشعار اصطلاحاً شعر تعذیمی گفته می‌شود. در آثار و تألیفات فقهای شیعه دو قرن اخیر منظومه‌های علمی زیادی در علوم فقه، اصول، اخلاق، منطق، فلسفه، کلام، رجال و ادبیات عرب دیده می‌شود. در این میان، منظومه‌های فقهی بیشترین عدد را به خود اختصاص داده‌اند. در این مقاله بحث خود را در دو بخش دنبال می‌کنیم: در بخش نخست به مهمترین منظومه‌های دو قرن اخیر اشاره شده، و در بخش دوم برای آشنائی بیشتر با این منظومه‌ها به بررسی و تحلیل سه منظومه پرداخته‌ایم.

کلید واژه‌ها: ارجوزه، منظومه، فقه، فقها، شیعه، قرن سیزدهم و چهاردهم هجری.

مقدمه

شعر تعلیمی یکی از موضوعات اشعار عربی است که سابقه طولانی در ادبیات عربی دارد. در علوم مختلف مانند صرف، نحو، علوم بلاغی، منطق، فلسفه، کلام، فقه و اصول فقه، شعرا قواعد و احکام آنها را جهت سهولت حفظ به صورت ارجوزه‌ها و منظومه‌هایی درآورده‌اند.

حسن بن علی بن داود حنّی معروف به ابن داود متوفای بعد از ۷۰۷ ق. سه ارجوزه در کلام، امامت و فقه دارد که برای اولین بار در سال ۱۳۶۷ هـ. ش با تحقیق و تعلیق آقایان حسین درگاهی و حسن طارمی بوسیله سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به زیور طبع آراسته گردید. علامه متبّع و پرتوان، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب پر ارج خود «الذریعه الی تصانیف الشیعه» تعداد ۶۳۶ منظومه علمی در رشته‌های مختلف را نام می‌برد که شعرا و علمای شیعی آنها را سروده‌اند. در این میان، ارجوزه‌ها بیشترین عدد را به خود اختصاص داده‌اند و شمار آنها به ۲۳۴ می‌رسد. در حرف همزه می‌گوید: «در اینجا منظومه‌هایی را ذکر می‌کنیم که در بحر رجز سروده شده است. اما اگر منظومه‌ای در بحر غیر از رجز باشد یا آن را ندیده و از بحر آن اطلاعی نداشته باشیم، آن را در حرف میم به عنوان منظومه ذکر خواهیم کرد و در صورتی که منظومه دارای یک قافیه باشد آن را در حرف قاف ب عنوان قصیده می‌آوریم» (تهرانی، ۱۳۸۷ هـ. ق: ۴۵۰/۱).

اما چرا وزن اغلب منظومه‌های فقهی بحر «رجز» است؟ زیرا اولاً حفظ اشعاری که بر این وزن می‌باشد به علت خفیف بودن بحر آن، آسانتر می‌باشد و به سهولت ب ذهن سپرده می‌شود. ثانیاً در آوردن مطالب علمی در قالب این وزن برای ناظم اشعار، با خاطر جوازات ذکر شده در این بحر، آسانتر است. وزن تمام و سالم بحر رجز چنین است:

مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن

اما جایز است به جای «مستفعلن، اوزان «مفاعیلن»، «مفتعلن» و «فعلن» را نیز به کار برد. به این علت، برخی این بحر را «حمار الشعر» یا «حمار الشعراء» نامیده‌اند. اما بعضی معتقدند که مناسب‌تر بود آن را «عالم الشعر» می‌نامیدند زیرا نظم آن آسان است و تمام علمایی که متون علمی مانند فقه، نحو، منطق و طب را به نظم در آورده‌اند، این بحر را اختیار نموده‌اند.

ارجوزه‌ها را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

نوع اول: ابیات دارای یک قافیه می‌باشند. این گونه ارجوزه‌ها در اشعار عربی، به خاطر مشکل وحدت قافیه اندک است.

نوع دوم که آن را مزدوجات می‌نامند، تنها هر دو مصرع ابیات آن دارای یک قافیه می‌باشند. بیشتر اشعار تعلیمی به خاطر سهولت نظم آنها از این نوع هستند.

در گذشته نه چندان دور در میان این اشعار تعلیمی، منظومه‌های فقهی جایگاهی رفیع داشته و از رواجی خاص برخوردار بوده است، ولی در زمان حاضر، متأسفانه، این میراث فقهی عظیم کمتر مورد توجه حوزه‌های علمیه و رشته‌های دانشگاهی مربوط به آن قرار گرفته و مورد غفلت واقع شده است. شایسته است که این گنجینه گرانبهای فقهی باز دیگر احیا شود.

در اکثر ابواب فقه، یک یا چند منظومه وجود دارد. آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، آنها را به ترتیب حروف الفبا ذکر کرده است مانند ارجوزه الانسی عشریه فی الصلاة، ارجوزه فی احکام الاموات، ارجوزه فی الارث، ارجوزه فی الحج ... و در پایان ارجوزه فی الوضوء و ارجوزه فی الوفق. اگر با باب ظهارت آغاز می‌شد و به باب دیات ختم می‌شد با کتابهای فقهی هماهنگی و مطابقت داشت. در کتابهای رجال و ترجمه به غیر از آنچه که مرحوم آقا بزرگ تهرانی ذکر کرده است، منظومه‌های فقهی دیگری وجود دارد که پس از تألیف الذریعه سروده شده است و یا از قلم وی افتاده است.

برخی از این منظومه‌ها در اصل کتاب فقهی یکی از فقها بوده، که این فقیه شاعر

آن را به نظم درآورده است مانند «الدرة الصغیة فی نظم الالفیة الشهیدیة» نوشته عمومی شیخ بهائی، شیخ نورالدین علی بن عبدالصمد حارثی همدانی. (همان: ۱۵/۱۸)

در این زمینه دو مقاله نوشته شده است یکی در شماره ۳۸ آئینه پژوهش نوشته سید صادق محسنی به عنوان منظومه‌های فقهی که نویسنده پس از مقدمه‌ای کوتاه فهرست منظومه‌های فقهی را از آغاز تاکنون به ترتیب ابواب کتابهای فقه، از طهارت تا دیات ذکر کرده است. بیشتر این منظومه‌ها از کتاب ارزشمند «الدریعه» استخراج شده است و فقط درباره «الدرة النجفیة» نوشته سید مهدی بحر العلوم توضیح مختصری پیرامون شروح آن داده است. در این مقاله نام ۱۷۵ منظومه و ازجمله دیده می‌شود.

مقاله دیگری به زبان عربی در شماره‌های ۱۹، ۲۱ و ۲۲ فصلنامه اهل البیت عربی نوشته سید محمد جواد حلالی به عنوان «مسی رحاب المكتبة الفقهیة» نقل

المنظوم) چاپ شده است.

نویسنده در این پژوهش، پس از درآمدی پیرامون مقایسه منظومه‌های فقهی شیعه با منظومه‌های اهل سنت به دوازده منظومه فقهی اهل سنت اشاره می‌کند و می‌گوید: من بیش از این منظومه‌ای را از اهل سنت نیافتم، در حالی که بیش از ۱۸۰ منظومه در فقه شیعه از آغاز تاکنون نگاشته شده است. سپس در بخش نخست مقاله فهرست منظومه‌هایی را که در تمام ابواب فقه می‌باشد به ترتیب سال وفات ناظم آ ذکر کرده است. در بخش دوم نیز به همین ترتیب فهرست منظومه‌هایی که در یک باب فقه می‌باشد، بیان کرده، اما منظومه‌هایی که در بیش از یک باب بوده ولی تمام فقه شامل نبوده در هر دو بخش آورده است. در این مقاله هم بیشتر مطالب از کتاب الدرر نقل شده است.

بخواست خدا ما در این نوشتار بنا داریم با نگاهی عمیق‌تر و فراگیرتر از آنچه انجام شده به مقوله فقه منظوم بپردازیم، لذا در این مقاله علاوه بر معرفی برخی منظومه‌های فقهی در دو قرن اخیر به عنوان نمونه چند منظومه فقهی را مورد بررسی

تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم؛ بنابراین بحث خود را در دو بخش دنبال می‌کنیم:

بخش اول: معرفی منظومه‌های فقهی

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان منظومه‌های فقهی دو قرن اخیر را به سه گروه تقسیم کرد:

الف: منظومه‌هایی که همه ابواب فقه را در بر می‌گیرد.

مهمترین منظومه‌هایی که همه ابواب فقه از طهارت تا دیات را در بر می‌گیرد.

عبارتند از:

۱- منظومه شیخ ابراهیم صادق (م ۱۳۸۸ ق.):

این منظومه حدود هزار و پانصد بیت دارد که خود بناظم سی بیت از کتاب

طهارت آن را شرح داده است. آغاز آن

الماء اما مطلق و ذاک ما یسبق لفهم منی ما قبل ما

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۷۰/۱)

آب با مطلق است و آن آبی را مطلق گویند که هرگاه آب گفته شود به ذهن

تبادر کند.

۲- منظومه شیخ احمد ستری (م ۱۳۱۵ ق.) که بیش از دو هزار و پانصد بیت

است (همان: ۲۶۴)

۳- ارجوزه سید محسن کاظمی اعرجی (م ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ ق.) بنام *الفقهیه*

المستظرفه:

این ارجوزه دارای هزار بیت می‌باشد بدین جهت الفیه نامیده می‌شود. آغاز آن:

سبحان من محسن بالنعیم قبل وجوبها بفضل الکرم

در ادامه می‌گوید:

سمیتها الفقهیه المستظرفه یوجب ضبطها مزید المعرفه

این منظومه در سال ۱۲۷۱ چاپ شده است. نسخه کاملی از آن تا آخر دیبات با اختلاف در برخی الفاظ یا یک بیت و یا یک جمله در کرمانشاه در میان کتابهای مولی محسن فرزند مولی سمیع به خط وی وجود دارد. نوه وی حاج آقا محمد مهدی کرمانشاهی (م ۱۳۴۶ ق.) می‌گفت: ناظم این ارجوزه جلا ما می‌باشد نه سید محسن کاظمی اعرجی. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۹۷/۱۶ و ۱۲۱/۸)

سید محسن امین در اعیان الشیعه این الفیه را جزء تألیفات سید محسن کاظمی اعرجی نیاورده است و نیز دکتر محمد هادی امینی در کتاب معجم رجال الفکر والادب فی النجف نامی از این الفیه جزء تألیفات سید نبرده است. (امین، ۱۴۰۳: ۲۶/۹ و امینی، ۱۴۱۳: ۱۶۱/۱)

شایان ذکر است که این دو محقق ارجمند از جمله تألیفات محقق کاظمی منظومه‌ای را بنام *جمع اشباه و نظائر* ذکر کرده‌اند.

۴ - منظومه *الدرة البيضاء*. ناظم آن سید میرزا ابوالقاسم فرزند سید صادق طباطبائی ساکن تهران مشهور به سنگلجی معاصر صاحب *الذریعه* متولد ۱۲۸۷ ق. این منظومه دارای سی هزار بیت است. آغاز آن:

اعوذ بالله من الرجیم وبسمه الرحمان الرحیم
الحمد لله الذی هدانا الی صراط الحق واجتینانا

در ادامه می‌گوید:

فهذه منظومة وجیزه! نافعة للمیتغی عزیزه
سمیئتها بالدرة البيضاء تبصرة من الطباطبائی

(آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷: ۹۲/۸)

۵ - *الجنة المأوی* نوشته سید محمد بن عبدالصمد اصفهانی شهسبانی (م ۱۲۸۷ ق.). این منظومه حدود یکصد هزار بیت است. سید حسن صدر درباره آن گفته است: «مشمعل علی الفکاهة والفکاهة». (همان: ۴۹۰/۱، ۱۲۹/۲۳ و ۱۶۰/۵)

۶ - *نبراس الهدی* نوشته حاج ملا هادی سبزواری (م ۱۲۸۹ ق.) مشتمل بر هزار بیت است. ناظم شرحی بر آن دارد مانند منظومه‌اش (*غمر الفرائد*) در منطق و فلسفه. از این منظومه از کتاب طهارت تا نکاح چاپ شده است. آغاز آن:

الحمد لله الذي نوهنا
بنور نبراس الهدى ففها

وی دو منظومه دیگر در فقه دارد یکی بنام *ارجوزه فی الفقه* و دیگری *المقباس*.
(همان: ۴۹۰/۱، ۱۲۶/۲۲، ۱۲۹/۲۳ و ۳۸/۲۴)

ب - منظومه‌هایی که برخی از ابواب فقه را در برمی‌گیرد.

مهمترین و مشهورترین این منظومه‌ها عبارتند از:

۱ - منظومه علامه سید مهدی بحر العلوم (م ۱۲۱۲ ق.) به نام *الدرّة البهیة* یا *الدرّة النجفیة* و یا *الدرّة الغرویة* که تمام باب طهارت و باب صلاه تا نماز طواف را در برمی‌گیرد. این منظومه مورد اهتمام و ستایش بسیاری از فقها بوده است. در اعیان الشیعه در تمجید آن می‌گوید: سرور ارجوزه‌های فقهی و بی‌همتا است. (امین، ۱۴۰۳: ۱۶۰/۱۰). این منظومه از جهت صحت مطالب آنقدر معتبر است که در پاره‌ای از موارد صاحب جواهر به ابیات آن استشهاد می‌کند که به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱ - در مسأله دو طرف مشتبه می‌گوید: ولعل ذلك الذي اشار اليه السيد - شيخ مشايخنا - في منظومته، فقال في الاثنتين المشتبهين:

ولو ناعابنا على رفع الحادث
لم يرتفع وليس مكذا الخبث

(نجفی، ۱۳۶۷: ۳۰۶/۱)

۲ - در موضوع زوال عین نجاست می‌گوید: ولعله لما ذكرنا اشار السيد مهدی في

منظومته، فقال:

واجعل زوال العين في الحيوان
طهراً كذا بواطن الانسان

(همان، ۳۷۶/۱)

۳ - درباره حد دست می‌گوید: نعم، المتبادر من اطلاق لفظ اليد في النص والفتوى

الكف فيكون حدثها الزند كما اشار الي ذلك الطباطبائي في منظومته، فقال:
ولا يجوز المسح الأ في اليد وحدثها الزند اذا لم تفقد
(همان، ۱۸۵/۲)

۴ - پیرامون اشتراط مندوحه در تقيه و يا عدم اشتراط آن می گوید، واختار ثانيهما
المحقق الثاني وهو المنقول عن الشهيدین، واختاره الطباطبائي في منظومته، فقال:
وفي اشتراط عدم المندوحه قول ولكن لا اري تصحيحه
(همان، ۲۳۸/۲)

۵ - در بحث تیمم می گوید: اللهم الآن قال: انه بعد أمر الشارع بغيره في غيرها
كان يتركه من لا ماء عنده، فلا خطاب بالطهاره حينئذ، ومن هنا قال الوحيد الطباطبائي في
منظومته بعد ذكر أسباب التيمم:

فالفرض في هذا ونحوه البديل والاصل لا يحري إذا الفرض النقل
لكن يعود أن تكلف السبب وارتفع العذر بما قد ارتكب
وضابط المطلق تحريم العمل لا النهي عما يقتضيه اذ حصل

(همان، ۱۱۲/۵)

پنجاه و شش مورد در جواهر به اشعار این منظومه استشهد شده است. در
پاره‌ای از این موارد به مضمون اشعار اشاره می کند ولی ابیات را نیاورده است مانند
مسأله حق سبق در مشترکات، می گوید:

«أما حق السبق في المسجد ونحوه ففي بطلان الصلاة وعدمه وجهان بل قولان اقواهما
الثاني وفقاً للعلامة الطباطبائي في منظومته» (همان، ۲۸۶/۸). در همین موضوع آقای
خویی می گوید: «وذهب في الجواهر تبعاً لسيد العلامة الطباطبائي في منظومته إلى الثاني»
(خویی، ۱۴۱۰: ۱۳/۲)

اما در بیشتر موارد ابیات را ذکر کرده است.

اما چگونگی استشهد مرحوم صاحب جواهر به منظومه سيد بحر العلوم بیشتر به

صورت تبعیت با تقویت و تأیید آراء فقهی خودش است. سید محسن حکیم در مسأله اذان می‌گوید: «أما اذان الصلاة فمتصل بها وإن كان في آخر الوقت كما صرح بذلك في الجواهر تبعاً للعلامة الطباطبائي في منظومته» (حکیم، ۱۳۹۱: ۵/۵۳۹)

صاحب جواهر در کراهت کشتن شیش در مسجد می‌گوید: «أما كراهة لقتل القمل فيه وإن نص عليها غير واحد من الأصحاب. بل في الذكرى انه قاله الجماعة. لكن قد اعترف بعضهم بعدم الوقوف علي نصّ دالّ عليه ولعلّه لئلا تركها العلامة الطباطبائي في منظومته» (نحقی، ۱۳۶۷: ۱۴/۱۲۹)

و در مسأله وقت نماز می‌گوید: «إذا كان له طريق إلى العلم بالوقت لم يجوز التعويل علي الظن والنها أشار الطباطبائي في منظومته»:

وكل ما أمكنه العنم فلا يبنى على الظن لأصل أصلاً

(همان، ۷/۲۶۵)

به جز مرحوم صاحب جواهر. فقهای دیگری مانند محقق نرانی در مستندالشیعه، شیخ اعظم انصاری در دو کتاب طهارت و صلاه و حاج آقا رضا همدانی در مصباح الفقیه و از متأخرین مرحوم شیخ عبدالکریم حائری در کتاب الصلاة خود به آرای سید در منظومه به عنوان کتاب فقهی معتبر اشاره می‌کنند. جهت اطلاع بیشتر به نرم افزار مکتبه اهل البيت عليهم السلام رجوع شود. در جلالت شأن آن همین بس که شروح و حواشی و تنمّه‌هایی فراوان بر آن نگاشته شده است.

بیت آغازین آن چنین است:

بحمد خیر منعم والشکر له

فتفتح المقال بعد البسملة

درباره نام و تاریخ نظم آن می‌گوید:

تاریخها عام الشروع (غره)

غراء قد وسمنها بالدره

این ماده تاریخ مطابق ۱۲۰۵ ق. می‌باشد.

برخی از شروح آن عبارتند از:

- **خزائن الاحکام** فی شرح المنظومة التي نظمها سيدنا بحر العلوم؛ نوشته آغا سید عابد بن رمضان بن زاهد شیروانی دربندی (م ۱۲۸۶ ق.)؛ این منظومه نزدیک یکصد هزار بیت است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۱۵۲/۷)

- **کشف الاسرار الحقیة فی شرح الدررة النجیة** نوشته سید ابوالقاسم فرزند سید احمد حسینی کاشانی (م ۱۳۱۸ هـ. ق.) در دو جلد؛ نویسنده ابتدا بیت شعر را ذکر می کند سپس آن را شرح می دهد از کتاب جواهر و شیخ انصاری اقوال زیادی را نقل می کند. (همان، ۱۵/۱۸)

- **شرح منظوم دره**؛ ناظم آن از نوادگان سید بحر العلوم به نام سید حسن فرزند سید رضا فرزند سید مهدی بحر العلوم است. (حقانی، ۱۴۰۸: ۲۱۸/۳)

- **شرح منظومه** نوشته محمدعلی بن محمدحسن اردکانی شاگرد سید بحر العلوم. (امینی، ۱۴۱۳: ۱۰۶/۱)

- **المواهب السنیة** نوشته حاج میرزا محمود بروجرودی؛ شرحی است مبسوط و استدلالی. چاپ سنگی آن در دو مجلد در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد موجود است. این شرح تا آخر بحث کفن میت می باشد.

در کتب تراجمی که در شرح حال فقها نگاشته شده شروح دیگری را می بینیم که جزء سی شرح ذکر شده در **الدریعه** نمی باشند مانند شرح دره نوشته محمدرضا فرزند شیخ عبدالحسین آل یاسین. (همان، ۷۱/۱)

محمدعلی اعسم شاگرد سید بحر العلوم هجده بیت در تفریط دره سروده است. آغاز آن:

دره علم هی ما بین الدرر فاتحة الكتاب ما بین السور

منظومه هایی در تمهیم و تکمیل دره سروده شده است که نام بعضی از آنها در **الدریعه** آمده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷: ۳۴۱/۳)

۲ - ارجوزه ک

نجفی (م ۱۲۹۴)؛ این

۱۳۸۴ ق. برای اولین

بار بوده و هر دو در نجف

در مقاله منظومه های

بیت ذکر نشده است.

ابده باه

و هن لم

احمده

و در ادامه در

ار

و

و پس از بیان

||

۳ - منظومه

فرزند شیخ جعفر ک

بحث تألیفات شیخ،

هزار بیت است.

در **الدریعه** ا

به نقل از کتاب **الح**

۱۴۱۳: ۱۰۲۳ و آ

ج - منظومه های

۱ - ارجوزه

۲ - *ارجوزه فی الصوم والاعتکاف والخمس* نوشته سید محمد حسنی بغدادی نجفی (م ۱۳۹۴): این ارجوزه در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد می باشد. در سال ۱۳۸۴ ق. برای اولین بار در نجف به چاپ رسید. با اینکه وی معاصر آقا بزرگ تهرانی بوده و هر دو در نجف می زیستند ولی در *الدریعه* نامی از آن برده نشده است! همچنین در مقاله منظومه های فقهی مجله آئینه پژوهش و نیز مقاله الفقه المنظوم فصنانه اهل بیت ذکر نشده است. در مقدمه آن می گوید:

ابده باسم من الی عبادته دعا الوری کی یخلصوا فی طاعته
ومن لهم الی الصیام ندباً لیکونه عندهم مقرر با
احمده حمداً کما فقهنی اذ هو فی احکامه عرفنی

و در ادامه درباره ارجوزه اش می گوید:

ارجوزه لیس لها ممان قد اذعن لفضلها الافاضل
وجیزه حوت من المسائل مالس یخصی سهله التناول

و پس از بیان احکام روزه، اعتکاف و خمس آورده است:

الحمد لله علی الإكمال مصلیاً علی النبی والآل

۳ - *منظومه فی الصوم والخمس والحج*: ناظم آن شیخ عباس فرزند شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کبیر کاشف الغضا (م ۱۳۲۳). در کتاب *ماضی التجنب وحاضرها* در بخش تألیفات شیخ، منظومه حج را مستقل آورده است و گفته که این منظومه بیش از هزار بیت است.

در *الدریعه* این منظومه را به عنوان ارجوزه فی الصوم والخمس والزکاء والحج به نقل از کتاب *الحصون المنیعه* ذکر کرده است. (آل محبوبه، ۱۴۰۶: ۱۵۸/۳ و آمینی، ۱۴۱۳: ۱۰۴۳/۳ و آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۴۸۴/۱)

ج - منظومه هایی که فقط یک باب فقهی را دربر می گیرد عبارتند از:

۱ - *ارجوزه فی احکام الأموات*: نوشته سید هاشم فرزند سید احمد آل سید

کمال الدین حسینی حلی (م ۱۳۴۱ ق.) که با بیت زیر آغاز می‌شود:
حمداً لمجین کل دی حیاة وقاهر العباد بالمماتة
و با این بیت پایان می‌یابد:
فانتظروا الحکم من الاله ویتختم النظم بحمد الله
این ارجوه خطی است و به چاپ نرسیده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ هـ.ق. ۴۵۱/۱).

۲ - *ارجوزة فی الأذان والاقامة*: ناظم آن شیخ عبدالرحیم فرزند محمدعلی شوشتری (م ۱۳۱۳ ق.) شاگرد وی سید آقا شوشتری گفته است: این ارجوزه را به خط استادم دیدم. (همان: ۴۵۲/۱)
۳ - منظومه‌های فراوانی در باب ارب سروده شده است. علت آن مشکل بودن مورد بتلا بودن احکام آن می‌باشد. این منظومه‌ها حفظ قواعد آن را آسان می‌کند به تا از آنها اشاره می‌کنیم.

- ارجوزه شیخ محمدعلی فرزند محمد عسم (م ۱۲۳۳ ق.): آغاز آن چنین است
نحمدک اللهم یا من شرعا دیناً به النبی طه صدعا
و من آبان حکم الانسان حیاً ومیتاً بأحسن البیان
در ادامه می‌گوید:
وینعاً لمانا أن وقت فی الأثر علی حدیث جاء من خیر البشر
تعلّموا علّم الموارث وقد سعاد نصف العلم فیما قد ورد
(همان: ۴۵۴/۱)

- ارجوزه سید محسن امین عاملی (م ۱۳۷۱ ق.): ارجوزه‌اش در ارب به نا
(جناح الناهض الی تعلّم الفرائض) است. آغاز آن:
الحمد لله لقدیم لتوارث اعننی الخلق الممیت الباعث
(امین، معادن الجواهر، ۱۴۰۳: ۱۴۱/۴)

۴ - در باب حج نیز به دو منظومه از میان تعداد زیاد منظومه‌های این باب اشاره

می‌کنیم:

- ارجوزه شیخ طاهر حجاجی کبیر (م ۱۲۷۹ ق.) به نام *تحفة السناک*. ارجوزه‌ای است مفصل در احکام و مناسک حج تمتع ۲۷۷ بیت دارد. یکی از بزرگان خاندان کاشف العطا در ستایش این منظومه گفته است:

أُعْظَمُ عَلَيَّ نُحُورِ لِعَذَارَى أُمِّ عَنَابِيْنُ حَكْمَةٌ لَا تَبَارَى
وَضَحَتْ سَهْجَ الْهَيْدَى لِلْعَصِيْبِيْنَ بَنُوْهُ لَوْلَاءُ ضَالُّوْا خِيَارَى

(آقا بزرگ تهرانی، *الکرام البررة*، ۱۴۰۴: ۶۸۱/۲ و خاقانی، ۱۴۰۸: ۳۸۰/۴)

- منظومه سید عدنان غریفی (م ۱۳۴۰ ق.): در احکام حج و اسرار آن؛ این

منظومه حدود هزار بیت است. آغاز آن:

الحج والعمرة فرضان عمى من سَطَعَ مِىْ شُرُوفِ سَخْلَا
فَقَسَتْ بِهٖ ضَرُورَةُ الْاَدْبِيْنَ الْاَعْرَى لَا يُكْرَهُ الْوَجُوبُ اِلَّا مِنْ تَقَرَّرْ
بِالْاَصْلِ وَالنَّذْرِ وَبِالْاَمْرِ بِجِيَا وَبِالْفَسَادِ وَهُوَ بَعْدَ مَسْتَحَبْ

(همان: ۱۸۰/۶ و آمینی، ۱۴۱۳: ۹۱۸/۲)

۵ - *منظومه فی شکوک الصلاة*: ناظم آن شیخ احمد فرزند صالح ستری بحرانی

(م ۱۳۱۵ هـ. ق.) (خاقانی، ۱۴۲۱: ۱۷۹/۱۷)

۶ - در باب رضاع (شیر دادن)، شرایط و احکام آن منظومه‌های زیادی دیده می‌شود. شاید علت آن این باشد که در آن روزگار این کار رواج داشت. دایه‌هایی بودند که به نوزادانی که مادرانشان نمی‌توانستند به آنها شیر دهند، شیر می‌دادند. به سه منظومه در این باب اشاره می‌کنیم:

- منظومه سید محمدجواد حسینی عاملی (م ۱۲۲۶ هـ. ق.): صاحب *مفتاح*

الکرامه در شرح قواعد علامه این منظومه یکصد و چهل بیت دارد. آغاز آن:

الحمد لله وصلى الباري على النبي الطاهر المختار

در ادامه می‌گوید:

فبعدُ فالرضاعُ أمرٌ جارٍ في سائر الاعصار والامصار
فهاك نظماً راق في الرضاع ليسهل الحفظ على الطباع
(حسینی عاملی، بی تا: ۷۷۵/۴ و آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ هـ. ق: ۱۱۰/۲۳)
- منظومه سید صدرالدین عاملی (م ۱۲۶۳ ق):

آغاز آن این گونه است:

إن أحرز الرضاع شرطه نشر تحريم تزويج وتحليل نظر
این منظومه حدود هفتاد بیت دارد، خود ناظم شرح مفصلی بر آن نوشته به نام
شرح الأرجوزة الرضاعية. (همان: ۴۷۶/۱ و ۱۱۱/۲۳).

- منظومه محمدعلی اعسم (م ۱۲۳۳ ق): آغاز آن چنین است:

الحمد لله على إفضاله بالرزق لطفل لدى استهلاله

در ادامه می‌گوید:

وبعده فاعلم بأنّ الداعي للتعلم في مسائل الرضاع
أبى رأيتها كثيرة الشعب والبحث عن أحكامها واجب
و در ابتدای بیان احکام آن می‌گوید:
صح الحديث عن نبي الأمة وعن بنيه السادة الأئمة
إن الرضاع حكمه حكم النسب فيماله من حكم تحريم وجب

(همان: ۴۷۶/۱ و ۱۱۱/۲۳)

- ۷- منظومه زکات؛ ناظم آن سید محمدجواد عاملی، این منظومه در شرح حال
ناظم در آخر کتاب **مناجر متناح الكرامه** ذکر شده است. (همان: ۴۷۶/۱)
۸- **منظومه فی الصوم**؛ نوشته شیخ محمد حسین اصفهانی نجفی معروف ب
کمپانی (م ۱۳۶۱ هـ. ق) آغاز آن:

الصوم فی شریعة المختار ترک المفطرات فی النهار

این منظومه بر خلاف آثار دیگر نویسنده که مورد اهتمام فقها و اصولیان می‌باشند، مورد توجه قرار نگرفته به طوری که در برخی از کتابها جزء تألیفات ایشان نیامده است. (آمین، ۱۴۱۳: ۱۳۴/۱)

۹ - منظومه فی النکاح: ناظم آن شیخ حسین فرزند شیخ مشکور حولاوی (م ۱۳۸۸ هـ. ق.) این منظومه دارای یک هزار و شصت بیت است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۱۴۵/۲۳)

۱۰ - منظومه فی الوقت: نوشته سید محمدعلی موسوی عاملی اصفهانی مشهور به آقا مجتهد (م ۱۲۸۰ ق.) این منظومه چاپ نشده نزد نوادگان ناظم آن می‌باشد. (آمین، ۱۴۰۳: ۶/۱۰) آنچه ذکر شد بخش کوچکی از منظومه‌های فقهی فقهای عظام رضوان الله تعالی عظیم در دو قرن اخیر است. جهت اطلاع بیشتر به کتاب ارزشمند الذریعه الی تصانیف الشیعه جلد اول و بیست و سوم مراجعه شود.

بخش دوم: بررسی چند منظومه فقهی

۱ - ارجوزه اعسمیه نوشته فقیه نامور شیخ محمدعلی فرزند شیخ حسین فرزند حاج محمد اعسم نجفی (ره) متوفای سال ۱۲۳۳ هـ. یکی از زیباترین و مشهورترین منظومه‌هایی است که در فقه نوشته شده است. فقیه بزرگ شیخ محمد اسیراهیم کرباسی متوفای سال ۱۴۰۷ هـ می‌گوید که این ارجوزه یکی از سه منظومه مشهور است که عبارتند از: ارجوزه ابن مالک در صرف و نحو و دیگری الدرّة النجفیة سید مهدی بحرالعلوم در فقه و سومی این ارجوزه در فواید و آداب اطعمه و اشربه. این ارجوزه دارای ۱۴۶ بیت است و متضمن اخبار و روایات وارده از معصومین علیهم السلام می‌باشد.

مقدمه منظومه:

الحمد لله وصلى الباري
 وآله الأطهار ارباب الكرم
 ونعمت فاعبتك الفقير المسكين
 قال نظرت في كتاب الأطمع
 على النبي الحكيم المختار
 ومن بهم تمت على الخلق النعم
 بظل آل البيت ابن الأئمة
 من الدواعي ما اقتضى أن انضمه
 در نسخه چاپ آستان قدس رضوی به جای (من الدواعی) من الدروس نوشته
 در پاورقی مراد از دروس را کتاب دروس شهید بیان کرده است و ظاهراً این معنی بهتر
 است.

مما به روى من الآداب
 مكتفياً بما ذكر ما
 مقتصراً فيه عن من الخبر
 عند حضور الأكل والشراب
 رواه في ذلك بعض العلماء
 أو تضمن من لم يفت الأ عن أثر

آن گاه ناظم درباره نان و ویژه گیهای آن می گوید:
 الفضل للخبز الذي لولاه
 ما كان يوماً يغيب الإله
 از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده است: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ
 تَفَرَّقَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ، فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صَمْنَا وَلَا صَلَبْنَا وَلَا أَدْبَانَا فَرِيضُ رَبَّنَا» (مجلسی، ۳۳: ۲۷۰/۶۶)
 و در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: «أَتَمَّا بَنَى الْجَسَدُ عَلَى الْخَمْرِ
 (همان: ۲۷۰/۶۶)

و در ادامه می گوید:
 أفضله الخبز من الشعير
 ما حل جوفاً قطراً أأخليا
 فهو طعام الفانغ الفقير
 من كل داء وهو قوت الأنبياء
 محمد بن يعقوب کلینی در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل می کند که،
 فرمود: «فضل الشعير علي البر كفضلنا علي الناس، ما من نبي الا وقد دعا لأكل ال

وبارك عليه وما دخل جوفاً إلا وأخرج كل داء فيه وهو قوت الاثبياء وطعام الأبرار، أبي الله
أن يجعل قوت أنبيائه إلا شعيراً (حر عاملي، بی تا: ۱۷/۴)

له على الحنطة فضل سامي كفضل أهل البيت في الأنام

ما من نبي إلا يعتناء فيه إلا وقد دعا لأكذبه

در این ابیات معنای روایت به صورتی دقیق به نظم درآمده است.

و در آداب خوردن غذا می گوید:

سَمَّ عَلَى الْمَأْكُولِ فِي ابْتِدَاءِ وَفِي الْآخِرِ الْحَمْدُ وَفِي الْإِنْتَاءِ

وَكَتَفَ بِالْمَرْءِ فِيمَا يَتَّجِدُ وَسَمَّ عِنْدَ كُلِّ لَوْثٍ إِنْ يَرِدُ

مقصود وی در بیت دوم این است: در صورتی که بر روی سفره یک نوع غذا باشد بردن نام خداوند در آغاز یک بار کافی است ولی در صورت تنوع غذاها برای شروع به خوردن از هر کدام باید نام خدای متعال برده شود. سپس در ادامه آورده است:

وَيَكْرَهُ الْأَكْلَ عَلَى الشُّعْبِ إِذَا لَمْ يُؤَدِّ وَالْمَحْظُورُ مَا فِيهِ أذى

این بیت در نسخه آستان قدس رضوی ذکر نشده است.

وَالْأَكْلَ مَشِيئاً وَمَعَارِضاً نَقْلَ عَلَى الْبَيَانِ لِلْجَوَازِ قَدْ حَمَلِ

فَعَلَ النَّبِيُّ مَرَّةً فِي الزَّمَنِ فِي كَسْرَةٍ مَغْمُوسَةٍ بِالذَّبَنِ

ناظم در این ابیات به اختلاف روایات در باب خوردن غذا هنگام راه رفتن اشاره می کند. ابتدا می گوید این کار مکروه است سپس آن را معارض با روایتی می بیند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله زمانی نکهائی از نان را در کاسه شیر فرو برد و مشغول خوردن آن شد در حالی که راه می رفت. شاعر با توجه به این کردار پیامبر صلی الله علیه وآله این روایت را حمل بر جایز بودن این عمل می کند زیرا فعل پیامبر صلی الله علیه وآله حجت است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «لَا تَأْكُلْ وَأَنْتَ تَمْشِي إِلَّا أَنْ تَضْطَرَّ إِلَى ذَلِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸۸/۶۶).

در روایتی دیگر آمده است: «... خرج رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ الْعَدَاةِ وَ كَسْرَةِ قَدِّ غَسْسِهَا فِي اللَّيْلِ وَهُوَ يَأْكُلُ وَيَعِشِي...» (همان: ۳۸۷/۶۶)
 نتیجه این که خوردن در حال راه رفتن جایز است و کراهت آن محل اشأ می باشد.

در بیان حکم تکیه دادن در حال غذا خوردن می گوید:

وَالْإِنْكَاءُ حَالَةَ الْأَكْلِ إِنْ تَرَكَ
 مَا أَكَلَ النَّبِيُّ وَهُوَ مُتَكَبِّرٌ
 وَابْنُ الْبَسَّارِ وَهُوَ يَعْضُ الْعَدَّةَ
 زَوْيَ جَوَازِ الْإِنْكَاءِ عَلَى الْيَدِ

ناظم در این ابیات ابتدا حکم به ترک تکیه دادن در زمان خوردن می کند. بعد این که هیچ گاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ با این حالت غذا نخورد ولی در بین این حکم را معارض با روایت فضیل بن یسار از اصحاب جنیل القدر امام بسافر را صادق علیهما السلام می داند که در آن حکم به جواز خوردن در حالت تکیه دانا دست شده است. (حر عاملی، بی تا: ۴۱۵/۱۶)

از دیگر آداب غذا خوردن، کراهت دمیدن بر غذای گرم جهت سرد شدن آن نگاه کردن به دوستانی که با آنان بر سر سفره غذا می خورد و نیز نظر کردن به غذا که می خورند. است. وی در این خصوص می گوید:

وَيَتْرَكَ الْإِنْفِخَ وَلَا يَنْظُرُ إِلَى أَكْلِ رَفِيقٍ مَعَهُ قَدْ أَكَلَا

قال: وَاثِي النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِطَعَامٍ فَوْضِعَ يَدَهُ فِيهِ فَإِذَا هُوَ حَارٌّ فَقَالَ دَعُوْا يَجْرِدُ أَنْهُ اعْظَمُ بَرَكَتَةٍ وَإِنْ اللهُ لَمْ يَطْعَمْنَا النَّارَ (حر عاملی، بی تا: ۱۴/۱۷).
 عن الصادق عن آبائه عن الحسن بن علي عليه السلام قال: «في المائدة اثنتان: خضلة... وفلة النظر في وجوه الناس».

مقصود از ناس، کسانی هستند که با او هم غذا می باشند.

و در آخرین بخش از آداب غذا خوردن می گوید.

دع السکوت، فهي سيرة العجم
لا تحتم في صحة بلا غرض
وجوز المضع وصغر اللقم
فهو كترك الاحتما حال المرض

الاحتماء به معنی پرهیز از خوردن غذا است.

ساکت بودن در حال خوردن غذا را بها کن زیرا این سیره و روش عجم (غیر مسلمانان) است. از امیرالمؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «... اکثروا ذکر الله علي الطعام...»

و از احکام ارشادی ائمه علیهم السلام در این زمینه خوب جویدن و دیگری کوچک برداشتن لقمه است. در روایت پیشین امام حسن مجتبی علیه السلام به این دو خصلت اشاره فرمودند: (تصغیر اللقمة والمضع الشدید...)

ناظم در بیت دوم پرهیز از غذا در حالت صحت و تندرستی بدون داشتن هیچ غرضی را منع می‌کند همانگونه که پرهیز نکردن از غذاهای مضر در حالت بیماری ممنوع است. منبع این دستور بهداشتی را در کتابهای روایی نیافتیم. بخشی دیگری از این ارجوزه در بیان خواص تعدادی از میوه‌ها و غسل می‌باشد. اکثر این خواص مستند به احادیث نبوی و یا روایات امامان معصوم علیهم السلام است.

وی در بیان خواص انار می‌گوید:

وسید الفواکه الرمان
مُنوّر قلوب أهل الدین
یاکله الجائع والسبعان
ومذهب وسوسة اللعین

علامه سید مهدی بحرالعلوم (م ۱۲۱۲هـ) نیز منظومه‌ای درباره خواص انار دارد

بخشی از آن چنین است:

يا ضالبا فضائل الرمان	اتل لداى سورة الرحمن
تجد بها الرحمن فيها فضنه	أجمله ضورا وطورا فضنه
عظمه فى النعت اذ قد نكره	نم ارتصاه غاية فخره
واذنه استيلا الفواكه	ليس له فى اللقب من مشك
وهو طعام وشراب جمعا	يصنع للأكل وللشرب معا
يؤكل فى الجوع وفى حال الشبع	وفى الظما والرئى فيه منفع

(بحرالعلوم، ۱۲۸۰: مقدمه مواهب السنيه)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَنْ أَكَلَ رَمَانَةَ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَطَرَّ عَنْهُ شَيْطَانُ الْوَسْوَءَةِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ...» (حر عاملی، ۱۲۰/۱۷)

میوه‌های دیگری که در این ارجوزه خواص آنها ذکر شده است عبارتند از: انگور، نجیر، خربزه، خرما، سیب و به، سیس از غسل نام می‌برد آن گناه به ترتیب؛ فواید و مضرات تخم مرغ، انواع گوشت، حلیم، ماهی، سرکه، کدو، ماش، عدس، پیاز، سیر، هویج، کرفس، تره، کاهو و شلغم اشاره می‌کند و در پایان چگونگی خلال دلتا و حکم آن را بیان نموده و فصلی در استشفای تربت قبر امام حسین علیه السلام ذکر کرده است.

پیش دیگری از این ارجوزه پیرسون انواع نوشیدنیها است، او درباره آن

احکام آن می‌گوید:

سَيِّدُ كُلِّ الْمَانِعَاتِ الْمَاءُ مَا عَنْهُ فِي جَمِيعِهَا غِنَاءُ
 اما ترى الوحى الى النبى منه جعلنا كل شىء حى

در این بیت اشاره به آیه ۳۰ سوره انبیاء شده است: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» و در ادامه می‌گوید:

وَمَنْ يَنْحَذِرْ وَيَسْتَهْيِئْ وَيُحْمَدِ اللَّهَ ثَلَاثًا فِيهِ
 ثلاث مرّات فیروی آنّه یوجب للمرء دخول الجنّة
 وفی ابتداء هذه المرّات جميعها بسمعل لنصّ آت

در روایت عبدالله بن سنان، گفته: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می فرمود:
 همانا شخص آب می نوشد، خداوند متعال بخاطر آن او را از بهشتیان قرار می دهد.
 گفتم: چگونه؟ فرمود: شخص آب می نوشد سپس نوشیدن آب را قطع می کند و ظرف
 آب را از دهان دور می کند پس خداوند را ستایش می کند پس از آن دوباره آب
 می نوشد باز دیگر حمد خدا را می گوید سپس برای بار سوم این کار را تکرار می کند
 با این شیوه آب نوشیدن خداوند او را داخل بهشت می گرداند در هر بار آب نوشیدن
 بسم الله می گوید. (بحار مجلسی، ۴۶۴/۶۶)

و نیز در ادامه می گوید:

والماء إن فرغ من الشراب له
 توجر بالآلف عداؤها منه
 ودرج وحسنات ترفع
 فهی اذن مئات الف اربع
 صا علی الحسین وانعن فانه
 من عنق مملوک وخط سینّه

داود رقی می گوید: کنت عند ابی عبدالله علیه السلام اذا استسقی الماء فلما شربه
 رأیته استعبر واغرورقت عیناه بدموعه، ثم قال لی: یا داود لعن الله قاتل الحسین علیه السلام
 فما من عبد شرب الماء فذكر الحسین ولعن قاتله الا كتب الله له مائة الف حسنة وخط عنه مائة
 الف سبحة ورفع له مائة الف درجة وكأنا اعتق مائة الف نسمة وحشره الله يوم القيامة تلج
 النّواد(ابن قولویه، ۱۰۶).

سپس خواص آب رودخانه های فرات و نیل و چاه زمزم را ذکر کرده است و در
 قسمت پایانی منظومه اشعاری درباره مسافرت و آداب آن این گونه می سراید:

۳۲	مطالعات اسلامی - فقه و اصول	شماره ۸۳/۱
----	-----------------------------	------------

د	من شرف الانسان في الاسفار	تطبيبه الزاد مع الإكثار
۶	وليحسن الإنسان في حال السفر	اخلاقه زيادة على الحضر
۵	وليدع عند الوضع للخوان	من كان حاضراً من الاخوان
	وليكثر المزح مع الصحب اذا	لم يسخط الله ولم يجلب اذى
۱	ناظم، ارجوزه را با ابیاتی درباره تکریم و گرامی داشت میهمان به پایان می‌رساند:	
	والضيف يأتي معه برزقه	فلا يُقَصِّرُ أحدٌ بحقه
	يلقاه بالبشر وبالطلافة	ويُحسِنُ القرى بما اطافه
	امام صادق علیه السلام فرمود: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: إن الضيف اذا	
	جاء فنزل بالقوم جاء برزقه معه من السماء. فاذا أكل غفر الله لهم بزوله عليهم (کلبنی،	
	۱۳۶۷: ۶/۲۸۴).	

۲ - الدرّة النجفیة:

منظومه الدرّة النجفیة به نامهای دیگری همچون «الدرّة البهیة»، «الدرّة المنظومة»، «الدرّة العالیة فی المسائل العالیة و منظومة بحر العلوم» نیز شناخته می‌شود. (تهرانى، ۲۳۵/۱۳)

محمدعلی اعسم (م ۱۲۳۳ ق.) شاگرد سید بحر العلوم، منظومه را در ضمن ابیاتی توصیف نموده که آغاز آن این گونه است:

درّة علم هی ما بین الدرر فاتحة الكتاب ما بین السور

(بحر العلوم، مقدمه)

این منظومه شامل بیش از دو هزار بیت در مبحث طهارت و نماز تا نماز طواف است. محتوای آن غالباً استدلالی نیست، لیکن در بعضی از موارد به دلیل حکم اشاره شده است. چنانچه در ابیات مقدمه گذشت در سال (۱۲۰۵ = ۱۲۰۵ هـ)، هفت سال پیش از وفاتش، ۱۲۱۲، شروع به سرودن آن نمود. شکی نیست که وی تصمیم به تکمیل ابیات در ابواب دیگر فقه داشته، لیکن عمر او اجازه تکمیل نداده است. چهار شرح منظوم

دارد بهنامهای: ارجوزه فی شرح الدرہ نوشته رضا گلپایگانی و ارجوزه دیگر نگارش عباس بن حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطا است. این شرح، مرجعی می باشد بدین گونه که آیات اصل را با شرح درهم آمیخته است. آغاز آن:

الماء ما سَمِيَ ماءً مطلقاً فضلاً على الناس طهوراً خلقاً

سومین شرح منظوم نوشته سید بحرالعلوم بنام سید حسین و شرح چهارم با نام **ارجوزه فی شرح الطهاره** نوشته سید کلب باقر نقوی است. (تهران، ۱۳۸۷ هـ. ق. ۱۳/۲۴۱ - ۲۳۵)

بخشهایی از این منظومه را بررسی می‌کنیم

القول فی الوضوء:

لا يجب الوضوء، الا أن يجب مشروعه فإن يكن ندباً

سید بحرالعلوم در این بیت عدم وجوب وضو را فی نفسه بیان می‌کند. بدین معنا که وجوب آن غیر است یعنی تابع وجوب مشروطش می‌باشد مانند نماز و طواف واجب و در صورتی که مشروط مستحب باشد مانند نماز نافله وضو گرفتن مستحب است و واجب نیست. البته انجام دادن آن عمل بدون وضو صحیح نمی‌باشد.

ولطهر شرط فی صلاة مطلقاً وما بها كجزئها قد الحقا
من ذاك المرغمان عدنا وثلاً من ایدی خلافاً معنا

مراد از طهر در اینجا وضو است که شرط است که شرط صحت و مباح بودن نماز است. مقصود از مطلقاً این است که خواه نماز واجب باشد مانند نمازهای پنجگانه یومی یا مستحب باشد. این موضوع مورد اجماع فقها است. در صحیح زراره از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «لا صلاة الا بطهور» (حر عاملی، ۲۵۶/۱)

و همچنین وضو شرط انجام دادن اجزای فراموش شده مانند سجده و تشهد می‌باشد. و نیز وضو شرط است در به جا آوردن دو سجده سهو (المرغمتان). این دو سجده را رسول خدا صلی الله علیه و آله، چنانچه در حدیث آمده است، مرغمتان نامید. (سید محمود طباطبائی، ۱۲۲/۱)

فقه‌هایی که بر خلاف آن نظر داده‌اند نظرشان شهادت و مخالف رأی اکثر فقهای شیعه می‌باشد.

ناظم در بحث دیگری از این منظومه موارد استحباب وضو را با معانی شیوا و شعاری روان بیان کرده است، آن‌گاه در واجبات وضو می‌گوید:

إن الوضوء (غسلتان - عندنا - ومسحتان) والكتاب معنا

فالمسحتان الوجه واليدان والمسحتان الرأس والرجلان

والوجه لما بين الفصص والذقن (معاً حزی الأبهام والوسطى) جعلن

(بحرالعلوم، ۱۵)

در بیت اول عبارت والكتاب معنا، اشاره به دلیل حکم دارد.

پر واضح است که اشعاری چنین عالمانه و استادانه کاری لطیف و جذاب است و برای از بر کردن قواعد و احکام فقه کمک بسزایی است. دقت در بیان مطالب سبب شده که این منظومه مورد توجه فقها و اندیشمندان حوزه‌های عمیه قرار گیرد و دهها شرح به نظم و نثر بر آن نوشته شود.

در این منظومه به مناسبت بیان بعضی از احکام شرعی، مطالب اخلاقی نیز دیده می‌شود؛ مثلاً در احکام جنائز می‌گوید:

اعاننا الرحمن عند المنوف حتی نحب الموت حباً شوق

و وثیت الأیمان فی قلوبنا و طهر الدیوان من ذنوبنا

نوص اخی بکل حق مفترض فی کل حال سیم حال لمعرض

لا تنس ذکر هادم اللذات إن لم تحفه فهو جاء آبی

(همان: ۶۲ و ۶۳)

آغاز خروج روح از بدن را سوق بفتح سین یا احضار گویند. عبادت از بیمار مستحب موکد است و در بعضی از موارد واجب می‌شود. در صورتی که بیمار خویشتن بود باشد و ترک عبادت وی سبب قطع رحم شود (طباطبائی، ۳۲۰/۴)

۳- الدرر البهیة (ارجوزة فی الفقه)؛

ناظم علامه فقیه سید حسن عریضی خراسانی (م ۱۳۰۶ هـ). این عالم خبیر از فقهای ناشناخته و گمنام جهان اسلام در دوره اخیر است. که ترجمه احوال و آثار او حتی در «طبقات اعلام الشیعه» و کتاب «الدریعه» علامه شیخ آقا بزرگ و «اعیان الشیعه» علامه سید محسن امین درج نشده است. این ارجوزه جزء منظومات چهارگانه‌ای است که توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی به چاپ رسیده است.

این ارجوزه دارای ۴۶۲ بیت است. از اول کتاب صلاه تا اذن و اقامه. مبحث طهارت (وضو، غسل و تیمم)، نجاسات و کیفیت تطهیر آن و اقسام آب و احکام مترتب بر آن بر خلاف ترتیب کتب فقهی مشهور در ضمن شرایط نماز بیان شده است.

آغاز آن چنین است:

بکل شیء الخیر العاکم	لحمد لله العلی العالم
ولا لها حد ولا لها آمد	تم صلاة لا تعد بالعدد
فأثمة درتنا الغریبه!	سميتها بالدرر البهیة

در بیت اخیر اشاره به منظومه سید مهدی بحر العلوم «الدرة الغریبة و یا النجفیة» می‌کند و به سبک و روش ابن مالک که گفته «فاثمة الغیة این معط» ولی به دنبال آن گفته «وهو بسبق حائز تفضیلا» در اینجا ناظم پس از ذکر دلیل برتری منظومه اش. البته دلیلی که با مقایسه این دو منظومه ضعف آن آشکار می‌شود، می‌گوید:

إذ غالباً يستنطق الدلیل	منها كذ الخلاف والتفصیل
تكتما السابق حاز الفضلا	بسبقه عرفاً فلا يستعملی

(عریضی، ۷۹)

پس از آن وارد مبحث نماز می‌شود:

إِنَّ الصَّلَاةَ لَمْ تَجِبْ إِلَّا عَلَى
عَنِ الدَّمِينِ عَاقِلًا وَقَدْ بَلَغَ
عَلَيْهِ مِنَ عَائِيَةِ وَلِلذَّكَرِ
وغيره تسعاً وأما الحَمَلُ

من وجد الطهور وهو قد حلا
الْحَلْمُ أَوْ حَسِنُ الشَّعْرِ بَرِغْ
بلوغه أربع أو خمس عشر
فيعرفه السبق به والأصل

(همان: ۸۰)

تا اینجا نشانه‌های بلوغ پسران و دختران را بیان کرد. غالباً معنی هر بیت که نیست و متعلقات و متمم معنی آن در بیت بعدی است. و در اقسام نمازها می‌گویند:

وسبعة اقسامها المرعية
ودونها الجمعة ثم العيد
وللطواف ركعتان بعده
لانها ليست سوى الدعاء
بتذرع أو يشبهه والفايت

افضلها اليومية المرضية
على التي للآية تزيد
وما على اثبت لا تعده
بلزم أن يعد منها الملتزم
من نفسه أو من أبيه الميت

بیشتر آیات این ارجوزه بیان مسائل فقهی بدون ذکر دلیل و یا اقوال مخالفه مسأله است ولی در پاره‌ای از مسائل اشاره به دلیل و یا آرای دیگران شده است.

مانند بیان شستن صورت و مسح سر در وضو:

وحداد الوجوه كما عنهم يعين
وما عليه الاصبعان اشتيملا
ومنتهى الايدي هو المرافق
بمسح بعض الرأس نحن نكتفي

طولاً بما بين القصاص والذفن
عرضاً كما في خبر قد فملاً
كما به الكتاب ايضاً ناطق
لأن نطق الماء بالبعض يفي

(همان: ۸۱)

در بیان حکم حدث اصغر در اثنای غسل می‌گویند:

ولا یعیذُ بل یتَمُّ أو حدث
لأن مع الوضوء بعد ما فرغ
من سایر الأقوال فهو قد عزی

(همان: ۸۲)

و در حکم طهارت اهل کتاب می گوید:

الکافر غیر الکتابی نجس
للاختلاف فی النصوص والأصح
سبیل الاحتیاط فهو السبیلک

(همان: ۸۶)

رأی سید مرتضی علم الهدی و شیخ مفید را در مسأله حرمت خواندن نافله پس
از نماز صبح تا طلوع خورشید و نیز پس از نماز عصر تا غروب آفتاب نپذیرفته و
می گوید:

وبكره (التفل) بعد صلاة الفجر
الی الغروب وكذا عندهما
وقبله المفید فی ذین ولم

(همان: ۹۳)

و در پایان این ارجوزه می گوید:

ويستقط الأذان فی الأسفار
والعصر فی الجمعة ثم عرفه
وهكذا أخيرة الفرضین إن
راختلفت الأخبار فی الفصول

(همان: ۹۹)

در بررسی این منظومه‌ها، استدلال به ادله زبانه، به کارگیری قواعد اصول و

طرح دیدگاههای انتقادی مخالف به روشنی دیده می‌شود، موردی از آن را ذکر می‌کند

در این آیات اشاره به استصحاب شده است:

لو علم الطهر وشك في الحدث لم يلتفت اليه بل ينفي الحدث
 وببیت الطهر وفي العكس عكس
 مع كون كل منهما قد علما
 (عریضی خراسانی، ۱۳۶۹: ۸۰)

در تحدید وجه در وضو می‌گوید:
 وحدد الوجه كما عنهم يُعْنَى
 وما عليه الاصبعان اشتتملا
 طولاً بما بين القصاص والذقن
 عرضاً كما في حبر قد قبلا
 (همان، ۸۱)

اشاره به خبر صحیح زراره از امام باقر علیه السلام:

«انه قال لابي جعفر الباقر عليه السلام: اخبرني عن حد الوجه الذي ينبغي ان يؤخذ من يزيده عليه ولا ينقص منه، ان زاد لم يؤجر وإن نقص منه اثم، ما دارت عليه الوه والايهام من قصاص شعر الرأس الى الذقن، وما جرت عليه الاصبعان من الوجه مستنبراً من الوجه، وما سوي ذلك فليس من الوجه، فقال له: الصدغ من الوجه؟ فقال: لا»
 عاملی، ۱۴۰۳، ۲۸۴/۱.

علامه بحر العلوم در تداخل اسباب غسل می‌گوید:

والحكم في تعدد الاسباب
 إن تتحد نوعاً وإن لم تتحد
 وتداخل الكل إذا كحل فصد
 والغير لا يكفى وفي الفرق خفا
 (بحر العلوم، ۱۴۰۵: ۲۸)

قبیل اشاره به قول ابن ادریس است در سرائر که تداخل را در صورتی که عم

جنابت یکی از آن اغسال باشد جایز می‌داند ولی در غیر این صورت تداخل اسباب
ممتنع است. سید در رد او به این جمله اکتفا کرده است که (وفی الفرق خفا) تفاوتی
میان غسل جنابت و دیگر اغسال وجود ندارد.

سید عریضی در همین مسأله می‌گوید:

بن جمعت علیه اسباب کفی عن الجميع واحد بلا خفا
وهكذا الوضوء بل فيه اتفاق اصحابنا قديمهم وما التحق

(عریضی خراسانی، ۱۳۶۹: ۸۲)

اشاره به اجماعی بودن تداخل اسباب در وضوء است ولی در غسل اختلاف

وجود دارد.

سید بحر العلوم در بحث تیمم می‌گوید:

یحری الصغید بانفاق العلما ونص قول الله من تیمما
(بحر العلوم، ۴۳)

دلیل مجزی بودن صغید را اجماع علما و نص آیه قرآن ذکر کرده است.
وفی السرائر ان الاجماع منعقد علی ان التیمم لا یکون الا بالارض او ما یطلق
علیه اسمها خلافاً للمحکی عن ابی حنیفه ومالک (نجفی، ۱۱۸/۵).

و اما نص قرآن اشاره به آیه ۴۳ سوره نسا و آیه ۶ سوره مائده می‌باشد.

سید عریضی در مسأله طهارت اهل کتاب می‌گوید:

الکافر غیر الکتابی نجس اما هو فالحکم فیه ملتبس
للاختلاف فی البصوح والاصح فیه الطهارة ولكن اتضح
سبیل الاحتیاط فهو المسلك ومذهب الاکثر لیس یتبرک

اشاره به اختلافی بودن آن در میان فقها و مخالفت اکثر ایشان با طهارت اهل

کتاب لذا در این مورد و مشابه آن راه احتیاط را بر می‌گزیند. (عریضی خراسانی، ۸۶)

در جای دیگر در طهارت خف و نعل و کف پا و امثال آن می‌گوید:

الخف والنعل واسفل القدم ونحوها تطهر بالأرض ولم ينقل خلاف فيه إلا ما ظهر عن شيخنا الطوسي وهو قد ندر اینجا تمسک به اجماع نموده است و مخالفت شیخ طوسی و خروج از مجمعین را منافی با اجماع نمی‌داند. (همان: ۸۸)

سید بحرالعلوم قائل به تسامح در ادله سنن می‌باشد زیرا او در مسأله استنج تیمم، مؤزدی که وضو و غسل مستحب می‌باشد می‌گوید:

فهو عن الواجب والندب بدلت بحل عند العجز حيث الأصل حل (بحرالعلوم، ۴۷)

بنا به قول محقق تراقی هیچ دلیلی بر اثبات استحباب نیست مگر فتوای عد از فقها و شهرت آن. (تراقی، ۴۱۵:۳)

همان‌گونه که می‌بینیم شیوه استدلال به ادله اربعه در منظومه‌ها غالباً به صر اشاره می‌باشد و همچنین به اصولی مانند استصحاب و احتیاط و تخییر بدون ذکر آن استدلال کرده‌اند. و ما اختلاف موجود میان فقها به صراحت در ابیات منظومه فقهی دیده می‌شود.

نتیجه

یکی از کارآمدترین شیوه‌های آموزشی، آموزش با کلام منظوم است. زیر ذهن سپردن مطالب با سخن موزون زودتر حاصل می‌شود و دیرتر فراموش می‌گردد. سید محسن امین عاملی درباره (السدرة النجفیه) سید مهدی بحره می‌گوید: ارجوزه مشهوری است. سرور منظومه‌های فقهی است. بی نظیر است به از فقها توجه و اهتمام خاصی به آن داشتند. نویسنده روضات الجنات نقل می‌کند صاحب جواهر الکلام ابیات ابن ارجوزه را به منزله روایات معتبر قرار داده است اکنون این منظومه‌ها رو به فراموشی است و با به کلی فراموش شده است. احیای روش تعلیم، راج نهادن به سخت کوشیهای گذشتگان و تشویق کسانی است که

شعری دارند و برای به نظم درآوردن مطالب فقهی، ضروری به نظر می‌رسد و این اهداف محقق نمی‌شود مگر با آشنایی با منظومه‌ها و ارجوزه‌های پیشینیان به ویژه فقهای دو قرن اخیر.

در این پژوهش اضافه بر معرفی و بررسی تعدادی از منظومه‌های فقهی به جایگاه و ارزش علمی آنها در میان فقهای می‌بریم. توان علمی ناظم و هنرمندی وی در ایجازگویی مسائل فقهی و ادله آنها در قالب ارجوزه مشاهده می‌شود و به تحقیق می‌توان گفت ارزش این منظومه‌ها از دیگر کتب فقهی استدلالی کمتر نمی‌باشند. در برخی از ادبیات این منظومه‌ها صنایع ادبی مانند جناس و طباق و تضمین به روشنی دیده می‌شود.

منابع

- آل محبوبه، جعفر؛ *ماضی النجف وحاضرها*، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق. ۱۹۸۳م.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد؛ *کامل الزیارات*، نجف اشرف: المطبعة المرتضویة، ۱۳۵۶هـ.ق.
- الاعسم، محمدعلی؛ *الأطعمة والأشربة وأدبها وثواندها*، بیروت: دار الحجّة البيضاء، ۱۴۲۷ هـ ۲۰۰۷م.
- _____؛ *منظومة ابن الأعمش فی المآکل والمشرب*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- أمین، سید محسن؛ *اعیان الشیعة*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق. ۱۹۸۳م.
- _____؛ *معادن الجواهر ونزهة الخواطر*، بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۳ق.
- آینی، محمدهادی؛ *معجم رجال الفکر والأدب فی النجف*، بی‌جا: ۱۴۱۳ق.
- انصاری، مرتضی؛ *کتاب الطهارة*، قم: ۱۴۱۵ق.
- _____؛ *کتاب الصلاة*، قم: ۱۴۱۵ق.
- بحرانعلوم، سید مهدی؛ *الدرة النجفیة*، قم: مکتبة المفید، ۱۴۰۵ق.
- تهرانی، آقا بزرگ؛ *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، تهران: کتابخانه اسلامیة، ۱۳۸۷ق.

- طبقات اعلام الشيعة تقياء البشر، مشهد: دارالمرئضي، ۱۴۰۴ق.
- طبقات اعلام الشيعة الكرام البررة، مشهد: دارالمرئضي، ۱۴۰۴ق.
- جلالی، سید محمدجواد: *مجله فقه أهل بیت عليهم السلام عربی*، قم: شماره های ۱۹ و ۲۲.
- خانزری، عبدالکریم: *کتاب الصلاة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ق.
- حر عاملی، محمد بن الحسن: *وسائل الشيعة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۱۰۳ق.
- حسینی بغدادی، سید محمد: *ارجوزة فی الصوم والاعتکاف والخمس*، نجف اشرف ۱۳۸۲ق.
- حسینی عابدی، سید محمدجواد: *مفتاح الكرامة*، قم: مؤسسه آل البيت، بی تا.
- حکیم، سید محسن: *مستمسک العروة الوثقی*، نجف اشرف، ۱۳۹۱ق.
- خاقانی، عبدالله: *شعراء النجف فی القرن الرابع عشر*، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۱ق.
- خاقانی، علی: *شعراء الغری*، چاپ دوم، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
- خوبی، ابوالقاسم: *التنزیح فی شرح العروة الوثقی*، قم: دزلهادی، ۱۴۱۰ق.
- طباطبائی، سید محمود: *المواهب السنیة*، چاپ سنگی، بی جا، ۱۲۸۰ق.
- عریضی خراسانی، سید حسن: *اربع اراجیز*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۹ق.
- کاظمینی، سید محسن: *منظومة فقهية مستطرفة*، با شروح و تعلیقات سید عبد بلاغی، بی جا، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب: *فروع کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ق.
- مجلسی، محمدباقر: *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، سید صادق: *منظومه های فقهی*، مجله آینه پژوهش؛ شماره ۳۸.
- نجفی، محمدحسن: *جواهر الکلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ق.
- نراقی، احمد: *مستند الشيعة*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث الهمدانی، رضا: *مصباح الفقه*، چاپ سنگی، تهران: کتابخانه صدر، بی تا.